

The Necessity of Writing a Critical Review on Hakim Hajj Molla Hadi Sabzavari's Divan

Zahra Bahramian

PhD student of Persian language and literature, Hakim Sabzevari University, zahra.bahramiyan@yahoo.com

Abbas Mohammadian *

Associate Professor at Hakim Sabzevari University, Sabzevar, mohammadian@hsu.ac.ir

Ali Tasnimi

assistant Professor of Persian Language and Literature Hakim Sabzevari University, ali_tasnimi@yahoo.com

Hasan Delbary

assistant Professor of Persian Language and Literature Hakim Sabzevari University,
hassan_delbary@yahoo.com

Abstract

Hakim Hajj Mullah Hadi Sabzavari known as **Star** was born in th.13th .entury AH (1312 AH) in Sabzevar. He is one of the philosophers who honed his skills in theoretical and practical wisdom of his time. He achieved a great degree of intuition and mysticism and flourished his talents in the world of mysticism and knowledge. He has written and classified many works in philosophy and wisdom, and has also left a collection of poems that contains elegant and beautiful mystical (gnostic), philosophical, wisdom, desire and passion. His genealogy has been published several times, however it has not been done based on scientific criteria of correcting texts. One instance is that none of these editions have a well-defined methodology and it is not clear to the reader or the researcher that based on which edition or manuscript the task of editing is carried out and some of these editions (e.g. the Hassan Amin edition) are completely based on taste. The authors of this article, which have done the correction based on the original version, consider, on the basis of three manuscripts one of which is a new edition of the text, the shortcomings and disadvantages of what has been published so far as the correction of the Hajj Mullah Hadi Sabzevari's divan are not reliable because of numerous problems referred to in this paper and the necessity of writing a critical review on his Divan (collection of poem) is inevitable. Obviously, if his work is corrected and republished, a meaningful text representing the closest intention of the poet will be available to both readers and researchers.

Keywords: Hajj Mullah Hadi Sabzavari, Divan (Collection of Poems), Critical Review, Manuscripts.

* Corresponding author

فصل‌نامه متن‌شناسی ادب فارسی (علمی- پژوهشی)
معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان
سال پنجاه و پنجم، دوره جدید، سال یازدهم
شماره سوم (پیاپی ۴۳)، پاییز ۱۳۹۸، صص ۶۱-۸۲
تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۰۶/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۷

ضرورت تصحیح دوباره دیوان حکیم حاج ملا هادی سبزواری

زهرا بهرامیان - عباس محمدیان - علی تسنیمی - حسن دلبری

چکیده

حکیم حاج ملا هادی سبزواری متخلص به «اسرار»، فیلسوف بنام قرن ۱۳ در سال ۱۲۱۲ هجری در سبزوار چشم به جهان گشود. او از جمله حکیمانی است که در عصر خود مراتبی را در حکمت نظری و عملی کسب کرد. در شهود و عرفان به مرحله‌ای عالی دست یافت و در عالم عرفان و معرفت خوش درخشید. آثار فراوانی در فلسفه و حکمت تألیف و تصنیف کرده است و نیز دیوان شعری از خود به جای گذاشت که در بردارنده نکته‌های ظریف و زیبای عرفانی، فلسفی، حکمت و وجد و شور و حال است. دیوان اشعار او تاکنون چند بار به چاپ رسیده، اما هیچ‌یک با معیارهای علمی تصحیح انجام نشده است؛ در واقع در هیچ‌یک از این چاپ‌ها، روش کار مشخص نیست و بر خواننده و پژوهشگر مبهم است که مصححان براساس کدام نسخه یا نسخ، کار تصحیح را انجام داده‌اند؛ بعضی از این چاپ‌ها (همانند چاپ حسن امین) نیز کاملاً ذوقی است. نگارندگان در این مقاله که تصحیح را بر مبنای نسخه‌ی اساس انجام داده‌اند، بر آن‌اند تا مطابق سه دست‌نویس - یکی از آنها نسخه‌ی نویافته است - چاپ‌های دیوان را بررسی کنند و نواقص و نارسایی‌های هر کدام را نشان دهند. نویسندگان می‌کوشند تا اثبات کنند آنچه تاکنون با نام تصحیح دیوان حاج ملا هادی سبزواری چاپ شده است، درخور اعتماد نیست؛ زیرا اشکالات فراوانی دارد که در متن به آن اشاره می‌شود؛ در نتیجه لزوم تصحیح دوباره دیوان گریزناپذیر است. بدیهی است با تصحیح و چاپ دوباره این اثر، متنی منقح و نزدیک به متن منظور شاعر، در اختیار خوانندگان و پژوهشگران قرار خواهد گرفت.

واژه‌های کلیدی

حاج ملا هادی سبزواری؛ دیوان اشعار؛ تصحیح دوباره؛ نسخ خطی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران zahra.bahramiyan@yahoo.com

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران (نویسنده مسئول) mohammadian@hsu.ac.ir

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران ali_tasnimi@yahoo.com

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران hassan_delbary@yahoo.com

مقدمه

فرهنگ غنی و میراث عظیم و پربار تمدن ایران زمین، آن‌چنان گسترده و ریشه‌دار و عمیق است که برای بررسی جنبه‌های وسیع و ژرف آن، سالیان سال تحقیق و کاوش لازم است. یکی از این جنبه‌ها و یا به بیان دیگر، یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌ها و گنجینه‌های ملی، نسخ خطی و یا متون بازمانده از نیاکان و فرهیختگان این مرز و بوم است که به اعتراف بیشتر پژوهشگران غربی، ارزش این گنجینه‌های گران‌سنگ با هیچ گنج و ثروتی در دنیا برابری نمی‌کند؛ بنابراین شناخت و معرفی هریک از این سرمایه‌های ملی در مرتبه نخست، مدیون نگاه‌های تیزبین و قلم عالمانه فهرست‌نگاران و مصححان و محققان است تا با معرفی دقیق و تحقیق و تصحیح آنها بتوانند جامعه را با این ثروت‌های باارزش آشنا کنند و عمق اندیشه‌ها و باورها و اراده‌های استوار دانشوران ایرانی را در زمینه‌های گوناگون علمی، ادبی، تاریخی و ... بر جامعه بشری عرضه دارند.

حکیم ملا هادی سبزواری، فیلسوف بنام قرن ۱۳ هجری (۱۲۱۲-۱۲۸۹ ق) از جمله حکمایی است که در عصر خود به مرتبه بلندی از حکمت الهی راه یافت و درجاتی را در حکمت نظری و عملی پیمود. او در شهود و عرفان به مرحله‌ای عالی دست یافت و یکی از ستارگان درخشان عالم ذوق و عرفان و معرفت شد. آثار بسیاری در فلسفه و حکمت به زبان‌های عربی و فارسی تألیف و تصنیف کرد و بعضی از آنها شهرتی عالمگیر یافت. ملا هادی افزون بر این آثار، دیوان شعری از خود به جای گذاشت که در قالب غزل، رباعی، ترجیع‌بند و مثنوی است؛ البته ساقی‌نامه نیز دارد. غالب اشعارش را غزل تشکیل می‌دهد و در اشعارش «اسرار» تخلص می‌کند. حکیم به شعر و شاعری علاقه‌ای بسیار داشت و این علاقه به اندازه‌ای بود که گفته‌اند: «همه‌روزه تقریباً صد بیت شعر، شاهد تقریر بحث‌های علمی او بود» (سبزواری، بی‌تا: ۱۹).

بیشتر اشعار حاج ملا هادی، رنگ و بوی شعر حافظ را دارد؛ هرچند غزلیاتش همسنگ آن نیست. حافظ شاعری حرفه‌ای و تمام‌عیار است؛ اما اسرار همانند بیشتر عارفان، فقط از روی سرگرمی و برای دل خود شعر می‌سروده است. از نظر ادبی شعرش متوسط اما دلپذیر و پرمعناست. او بسیاری از اصطلاحات عرفانی و ژرف را در قالب ترکیبات، تشبیهات و نکات بلاغی ارائه می‌دهد. افزون‌بر نکته‌های عرفانی و فلسفی، اشارات تاریخی، اسطوره‌ای، موضوعات دینی، موسیقی، نجوم و ... در دیوان او دیده می‌شود. سادگی و روانی کلام از دیگر ویژگی‌های شعر اوست. نبود پیچیدگی در معنا و بیان معانی ژرف و والای عرفانی، حاج ملا هادی را شاعری معناگرا معرفی می‌کند که در بند لفظ‌پردازی نبوده است. او به زبان عربی تسلط کامل داشت و بیشتر آثارش به زبان عربی است؛ اما در اشعار خود می‌کوشد از فارسی سره بهره برد.

از نظر سبک‌شناسی، غزل‌های اسرار، در همان سبک مأنوس و کلاسیک عراقی سروده شده است. وزن غزل‌ها، معمولاً همان وزنی است که شفیعی کدکنی از آن به «اوزان جویباری» یاد می‌کند (رک: شفیعی کدکنی، ۱۳۷۹: ۳۹۶)؛ البته اوزان خیزایی نیز - که ویژگی غزل‌های دیوان کبیر است - در دیوان اشعار حاج ملا هادی کم نیست. دیوان اشعارش ۱۸۹ غزل، ۱ ترجیع‌بند، ۵ مثنوی کوتاه، ساقی‌نامه و ۱۵ رباعی دارد.

بیان مسئله

تصحیح و تحقیق میراث گذشتگان افزون بر آنکه راه شناخت مؤلفان و کاتبان و شرح زندگانی و احوال آنها را برای خوانندگان هموار می‌کند، خواننده را به دنیای افکار و اندیشه‌های نویسندگان راه می‌دهد و اتفاقات و حوادث تاریخی و سیاسی مربوط به آن دوران را در اختیار خواننده می‌گذارد. تصحیح و احیای نسخ خطی به شیوه علمی یک نیاز ضروری است. یکی از این نسخه‌های ارزشمند، دیوان اشعار حکیم حاج ملا هادی سبزواری است.

در پژوهش‌ها و تحقیقاتی که تاکنون انجام شده است، حکیم ملا هادی فیلسوفی بنام با جایگاهی والاست و آثار فلسفی و منثور او بسیار کانون توجه پژوهشگران و نویسندگان بوده؛ اما پژوهش‌های کمتری درباره ویژگی‌ها و لطایف شعر و شاعری او به انجام است. دیوانش چهار بار به چاپ رسیده است؛ ولی کاستی‌ها و لغزش‌هایی در این چاپ‌ها دیده می‌شود که ضرورت تصحیحی منقح را دوچندان می‌کند.

نگارندگان بعد از ارزیابی، بررسی و مقابله کامل دست‌کم پنج دست‌نویس و رسیدن به ارزش قطعی یک نسخه (نسخه گ) در اصالت و صحت، آن را مبنای کار خود قرار دادند و از بین دیگر دست‌نویس‌ها، از دو نسخه کتابخانه مجلس و نسخه آستان قدس - که به‌طور کامل معرفی می‌شود - در جایگاه نسخه‌بدل بهره بردند. گفتنی است نسخه کتابخانه گوهرشاد، همان نسخه اساس (گ)، افزون بر صحت و اصالت که از آن یاد شد، جزء کامل‌ترین دست‌نویس‌ها از نظر تعداد اشعار است. این نسخه نخستین دست‌نویسی است که با فاصله چند ماه بعد از فوت شاعر به کتابت درآمد. کاتب آن معلوم نیست؛ اما با توجه به قراینی در اثر مشخص می‌شود که دقت فراوانی در نوشتن داشته است. شواهد گویای آن است که اثر خود را از ابتدا تا انتها بازخوانی کرده و نسخه‌هایی را دیده که افزون بر دست‌نویسی است که کار کتابت را از روی آن انجام می‌داده است. در ذیل برخی از واژگان، از سه دست‌نویس دیگر با نام‌های اختصاری «خ - ل»، «ط» و «ح» نام برده است (رک: غزل ۴، بیت دوم ذیل واژه غمت؛ غزل ۴۹، بیت هشتم، ذیل جامی؛ غزل ۸۷، بیت پنجم، ذیل که؛ غزل ۱۲۳، بیت هفتم، ذیل خواند؛ غزل ۱۴۶، بیت هشتم، ذیل گفته و ...).

بنابراین نگارندگان با در دست داشتن این سه دست‌نویس از دیوان شاعر - یکی از آنها نسخه‌ای نویافته است - و مقابله و مقایسه و بررسی این نسخ با چاپ‌های موجود از دیوان حکیم سبزواری، به این نتیجه رسیدند که امکان ندارد این چاپ‌ها به‌طور کامل متنی مستند و درخور اعتماد از دیوان باشد و لازم است تصحیح جدیدی از این اثر ارائه شود. در این تصحیح بسیاری از نقایص چاپ‌های پیشین از جمله اشکالات مربوط به ضبط واژگان و افتادگی در واژه، بیت و اشعار برطرف خواهد شد؛ سپس شرح و تفسیر فلسفی، عرفانی و ادبی اشعار براساس متون بنام در حوزه عرفان و تصوف، به‌ویژه بر مبنای آثار حکیم سبزواری انجام می‌شود. فهرست‌های جامع و کاملی بر دیوان نوشته خواهد شد؛ مانند اسامی خاص، آیات، احادیث، واژگان و ترکیبات عرفانی، واژگان دشوار به همراه معنی آنها و کشف‌الایات؛ در نتیجه خوانندگان می‌توانند به متنی منقح و نزدیک به متن شاعر دست یابند.

گفتنی است نگارندگان برآن‌اند که در تصحیح دوباره دیوان «از معتبرترین شیوه نقد و تصحیح متون» (مایل هروری، ۱۳۷۹: ۴۳۵)، یعنی تصحیح بر مبنای نسخه اساس بهره برند. نسخه اساس اصل قرار می‌گیرد و از دو دست‌نویس دیگر برای نسخه‌بدل استفاده می‌شود. در صورت غلط آشکار واژه، مصراع یا بیت در نسخه اساس، به دیگر دست‌نویس‌ها رجوع خواهد شد و در صورت اطمینان از ضبط‌شان، شکل صحیح، داخل قلاب، در متن اصلی وارد می‌شود و ضبط غلط نسخه اساس در پاورقی ذکر خواهد شد.

پیشینه پژوهش

دیوان اشعار حاج ملا هادی تاکنون چهار بار چاپ شده است؛ نخستین بار در سال ۱۳۳۸ هجری به کوشش سید محمدرضا دایی جواد؛ دومین بار در سال ۱۳۴۴ هجری به دست مرتضی مدرس چهاردهی که البته بیشترین اشکالات و ایرادات را دارد؛ سپس احمد کرمی در سال ۱۳۷۰ هجری با مقدمه ای که علی فلسفی بر آن نوشت، دیوان اسرار را چاپ کرد؛ سید حسن امین آخرین کسی است که در سال ۱۳۸۰ هجری دیوان حاج ملا هادی را به چاپ رسانید. این تصحیح کاملاً ذوقی است و معیارهای علمی تصحیح متون را ندارد.

به جز چاپ‌های صورت‌گرفته از دیوان، تا جایی که جست‌وجو به عمل آمد، هیچ مقاله و یا کتابی در حوزه تصحیح دیوان اسرار نوشته و تألیف نشده و این نخستین مقاله‌ای است که ضرورت تصحیح دوباره دیوان حکیم حاج ملا هادی سبزواری را اثبات می‌کند.

بحث و بررسی

موضوع این مقاله بررسی اشکالات چهار چاپ موجود از دیوان حکیم حاج ملا هادی سبزواری است؛ چاپ‌هایی که خطاها و اشکالات خرد و کلان بسیاری دارد و آشکارا ضرورت تصحیح دوباره این دیوان را آشکار می‌کند. در این پژوهش، نخست این چاپ‌ها معرفی و سپس به برخی از اشکالات آنها اشاره می‌شود. از جمله ایرادهای مشترک در همه آنها به نکات زیر می‌توان اشاره کرد:

الف) شیوه تصحیح در این چاپ‌ها نامشخص است؛ ب) در هیچ‌کدام، از نسخه یا نسخه‌بدل‌هایی که مصحح براساس آن، کار تصحیح را انجام داده، نامی برده نشده است و بر خواننده و پژوهشگر مبهم است که ضبط اشعار بر چه اساس و کدامین معیار صورت گرفته است؛ ج) غلط‌های تایپی و ضبط نادرست واژه یا واژگان، خوانش شعر و درک آن را دشوار و نامفهوم کرده است؛ د) تعلیقات و فهرست‌ها جامع و کامل نیست و در سه چاپ، اصلاً تعلیقی وجود ندارد تا خواننده از آنها استفاده کند؛ ه) جاافتادگی در واژه و بیت یا ابیات و حتی اشعار نکته دیگر است. نسخه‌های خطی استفاده‌شده نگارندگان عبارت است از:

الف) نسخه کتابخانه مجلس، به شماره ثبت «۱/۲۶۷۷»

آغاز نسخه: الا یا ایها الورقی ثری تثنوی اعرجن عنها/ که اندر عالم قدسی تو را باشد نشیمن‌ها؛ انجام: چشمت اسرار اگر بود احوال/ دو نماید تو را یکی مشعل؛ کاتب: عبدالوهاب؛ تاریخ کتابت: ۱۲۶۵ هجری؛ کاغذ: فرنگی، تزیینات جلد: میشن قرمز؛ نوع خط: نستعلیق. این نسخه مجموعه‌ای است که بخشی از آن به دیوان حاج ملا هادی سبزواری اختصاص دارد. نسخه رطوبت دیده و قسمتی از نوشته‌ها محو شده است. هر صفحه به‌طور متوسط ۱۷ سطر متن و ۳۲ نیم‌سطر حاشیه دارد.

ب) نسخه کتابخانه مسجد گوهرشاد، به شماره ثبت «گ ۱۸۴۱»

آغاز نسخه: الا یا ایها الورقی ثری تثنوی اطعن عنها/ که اندر عالم قدسی تو را باشد نشیمن‌ها؛ انجام: چشمت اسرار اگر بود احوال/ دو نماید تو را یکی مشعل؛ کاتب: مشخص نیست؛ تاریخ کتابت: ۱۲۹۰ هجری؛ نوع کاغذ: فرنگی؛ رنگ کاغذ: نخودی آهارمهره؛ نوع جلد: تیماج عنابی؛ نوع خط: نستعلیق خوانا؛ تعداد صفحات: ۶۹؛ تعداد سطور: ۱۵. نسخه کامل است و از میان نسخه‌های خطی مشاهده‌شده، این نسخه جزو بهترین و کامل‌ترین دست‌نویس‌های دیوان اسرار است.

ج) نسخه کتابخانه آستان قدس، به شماره ثبت «م ۵۳۹۲۴»

آغاز نسخه: الا یا ایها الورقی ثری ثوی اطلعن عنها/ که اندر عالم قدسی تو را باشد نشیمنها؛ انجام: چشمت اسرار اگر بود احول/ دو نماید به تو یکی مشعل؛ کاتب: جعفر؛ تاریخ کتابت: ۱۲۹۷ هجری؛ نوع خط: نستعلیق خوانا و زیبا؛ تعداد سطرها: ۱۲؛ نوع کاغذ: فرنگی؛ رنگ کاغذ: شکری؛ نوع جلد: میشن عنابی. وضعیت نسخه کامل است. کمتر از دو سال است آستان قدس آن را خریداری کرده و جزو نسخ تازه یافته شده از دیوان حاج ملا هادی است.

معرفی چاپ‌های موجود از دیوان حکیم سبزواری و بررسی آنها

هدف نگارندگان در این قسمت آن است که نخست چاپ‌های موجود از دیوان اسرار را به‌طور خلاصه معرفی کنند؛ سپس در حدی که این پژوهش اجازه می‌دهد به اشکالات و ایراداتی بپردازند که بر این چاپ‌ها وارد است و مطابق با نسخه‌های خطی که در اختیار دارند برخی از این اشکالات را مشخص و صورت صحیح آنها را بیان کنند.

دیوان اسرار با مقدمه و تصحیح سید محمدرضا دایی جواد

در شهریورماه ۱۳۳۸ شمسی در اصفهان، سید محمدرضا دایی جواد نخستین تصحیح از دیوان حاج ملا هادی سبزواری را انجام داد. این تصحیح شامل مقدمه مصحح، شرحی از زندگانی حکیم سبزواری (شرح حال او به قلم دیگران، داستان‌هایی از زندگی ایشان، تألیفات اسرار و شعر و شاعری او) و متن اشعار اوست. در پایان کتاب نیز غلطنامه‌ای تنظیم شده است. این چاپ ۱۸۸ غزل، ۱ ترجیع‌بند، ۴ مثنوی، ساقی‌نامه و ۱۵ رباعی را در بر می‌گیرد و مطابق با نسخه‌های خطی در دست نگارندگان، یک غزل و یک مثنوی کمتر دارد.

مصحح درباره نسخه‌های خطی‌ای که از آنها استفاده کرده، توضیحی نداده است. کل دیوان مشمول ۲۶ ارجاع در پاورقی است که از این بین تنها ۱۸ مورد از نسخه یا نسخه‌هایی با نام «خ ل» و یک مورد با نام «ن - ل» یاد کرده است؛ البته هویت این نسخه‌ها بر ما پوشیده و مبهم است و نمی‌دانیم برای مثال «خ - ل» نام دو نسخه یا تنها یک نسخه است؛ زیرا گاهی با علامت دو نقطه «خ: ل» آورده (رک: سبزواری، ۱۳۳۸: ۲۲۵) و گاهی بدون هیچ علامت نگارشی (خ ل) آن را نوشته است (همان، ۲۴ و ۲۵).

با توجه به سه دست‌نویسی که نگارندگان در اختیار دارند - به‌ویژه، نسخه خطی کتابخانه مسجد گوهرشاد با نام اختصاری «گ» که مبنای تصحیحات انجام‌شده همین دست‌نویس است - اختلافات بسیاری در ضبط واژگان در این چاپ دیده می‌شود که به برخی از آنها اشاره می‌شود.^۱

- گوشه ابرویی از گوشه برقع بنمود
آسمان را همی که چرخ‌زنان شد در رو
(همان: ۹۴)

مصرع دوم اشکال وزنی آشکاری دارد و صورت صحیح بیت چنین است:

گوشه ابرویی از گوشه برقع بنمود
آسمان را که همی چرخ‌زنان شد در رو
(همان، ۱۲۹۰: ۱۰۰)

در چاپ مدرسی، کرمی و امین ضبط بیت مطابق با نسخه اساس است.

- جلوه گر چون بخرامی تو بود ذکر ملک
بهر پاس تو ز هر چشم، یدالله معک
(۷۹)

با توجه به قرآینی که در بیت به کار رفته، ضبط «چشم بد» مطابق با نسخه «گ» ارجح است؛ به ویژه آنکه در مصرع دوم «پاس تو» به معنی «نگاهداری از تو»، آن را تقویت می‌کند. حافظ نیز در چند بخش از دیوان خود ترکیب «چشم بد» را آورده است:

چشم بد دور ز خال تو که در عرصه حسن بیدقی راند که برد از مه و خورشید گرو
(حافظ، ۱۳۷۸: ۱۶۹۲)

در سه چاپ دیگر، مصححان به بیراهه رفته‌اند و همان ضبط اشتباه چاپ دایی جواد را تکرار کرده‌اند.

- از دل خود دیدنش اسرار! جوی خیر زیادات ک فقه دالم زور
(۶۹)

مصحح در پاورقی چنین اشاره کرده است: «این واژه در اصل، زیاداتک تصحیح قیاسی است» (همان). در واقع او هم در پاورقی و هم در خود متن به بیراهه رفته است. شکل صحیح بیت چنین است:

از دل خود دیدنش اسرار! جوی خیر زیارات ک فقه دالم زور
(۶۵)

معنی مصراع دوم: بهترین زیارت هنگامی است که کسی که به دیدار او رفته‌ای، نباشد. به جز چاپ دایی جواد و مدرسی، ضبط بیت در دو چاپ دیگر مطابق با نسخه اساس (گ) است. در چاپ مدرسی آمده است:

از دل خود دیدنش اسرار! جوی خیر زیادات ک فقه دالم زور
(سبزواری، بی تا: ۶۵)

- الا ساقیا خمرا طهورا به یاد دوست بخشا دوستگامی
(۱۰۶)

نسخه گ:

الا ساقیا خمرا طهورا به یاد دوست بخشا دوستگانی
(۱۱۵)

دوستگانی: شرابی که به یاد دوستان می‌نوشند. قرینه ساقیا و خمرا نیز این ضبط را تقویت می‌کند؛ ضمن آنکه کلمات قافییه در این غزل، امانی، خوکبانی، مبانی و ... است که ضبط دوستگامی را رد می‌کند. چاپ مدرسی، کرمی و امین مطابق با نسخه اساس است.

- بر قامت تو شد راست دنیای کن فکانی بر تارک تو زیباست، اکلیل م ن رآنی
(۱۰۷)

در نسخه گ، به جای دنیا، «دیبا» آمده است؛ به ویژه که به قرینه «قامت»، واژه «دیبا» صحیح‌تر می‌نماید و تناسب زیبایی هم می‌سازد:

بر قامت تو شد راست دیبا کن فکانی بر تارک تو زیباست، اکلیل م ن رآنی
(۱۱۱)

به جز چاپ امین، در سه چاپ دیگر واژه «دنیا» به جای «دیبا» آمده است.

- الاحی و اعنادل ادنای الورد
اعینونی علی بث الشکایا
(۱۶)

نه تنها در این جا، در همه نسخه چاپی دیوان اسرار، در مصراع نخست به اشتباه واژه «ادنای» ضبط شده است؛ حال آنکه صورت صحیح واژه «إذ نأی» است:

- الاحی و اعنادل إذ نأی الورد
أعینونی علی بث الشکایا
(۱۲)

معنای بیت چنین است: حال که این گل از من «دور شده است»، بشتابید و مرا در آشکارکردن شکوه‌ها یاری دهید.

- صرف و نحو کتب عمر شد و مفتاحی
که گشاید دل از او در همه ابواب کجاست؟
(۳۹)

صورت تصحیح شده بیت چنین است:

صرف هر نحو کتب، عمر شد و مفتاحی
که گشاید دل از او در همه ابواب کجاست؟
(۲۹)

در این بیت ۴ ایهام تناسب زیبا به کار رفته است: ۱) واژه «صرف»، هم به معنای سپری شدن (عمر) و هم به معنای بخشی از دستور زبان عربی است که با «نحو» و «ابواب» تناسب دارد؛ ۲) «نحو» به معنای «نوع» و هم بخشی از دستور زبان عربی است که با واژه‌های «صرف» و «ابواب» ایهام تناسب دارد؛ ۳) واژه «مفتاح» در معنای «کلید» با «ابواب» تناسب دارد و هم چنین یادآور کتاب *مفتاح العلوم* سکاکی است که با «کتب» ارتباط و تناسب ایجاد کرده است؛ ۴) واژه «ابواب» در معنای «درها» با واژه «مفتاح» تناسب دارد و هم یادآور «باب‌های زبان عربی» است که با واژه‌های «صرف و نحو» نیز در ارتباط است.

در دیگر چاپ‌ها نیز ضبط بیت به اشتباه چنین آمده است:
مدرسی:

صرف و هم نحو کتب عمر شد و مفتاحی
که گشاید دل از او در همه ابواب کجاست؟
(سبزواری، بی تا: ۳۱)

کرمی:

صرف و نحو کتب عمر شد و مفتاحی
که گشاید دل از او در همه ابواب کجاست؟
(همان، ۱۳۷۰: ۸۱)

امین:

صرف و نحو کتب عمر شد و مفتاحی
که گشاید دل از او در همه ابواب کجاست؟
(همان، ۱۳۸۰: ۲۴۵)

- ملک حسن به دل بست بر اورنگ جلال
بنگر اهرمنان ما و منی ساخته‌اند
(۵۸)

نسخه گ:

ملک حسن به دل شسته بر اورنگ جلال
بنگر برهمنان با و ثنی ساخته‌اند
(۶۲)

در نسخه دایمی جواد، فعل «بست» معنای بیت را مبهم می‌کند. مطابق با نسخه اساس (گ)، ضبط صحیح این واژه، «شسته» به کسر شین از فعل شستن به معنی نشستن است. «هنوز در بخش‌هایی از قلمرو شرقی زبان فارسی در کشورهای افغانستان و ماوراءالنهر و تاحدی هم خراسان ایران، فعل شستن به کار می‌رود» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۷: ۲۰۵). مولانا نیز در غزلی چنین می‌گوید:

هم ناظر روی تو، هم مست سبوی تو هم شسته به نظر اره، بر طارم تو جانا
(همان)

شسته با «اورنگ» به معنی تخت پادشاهی نیز تناسب دارد. «ما و منی» در ضبط دایمی جواد، قافیه بیت است؛ در حالی که همین قافیه در دو بیت قبل تکرار شده است و از نظر ادبی، جناس هم نیست که بتوان آن را برای قافیه شدن دوباره پذیرفت. در دو بیت پیشین شاعر چنین آورده است:

وه چه عقدالنظری نی‌نی سر الس راست جز یکی نیست چسان ما و منی ساخته اند
(همان)

بیت منظور در چاپ‌های مدرسی و کرمی، همان ضبط چاپ دایمی جواد است؛ اما در چاپ امین چنین آمده است:

ملک حسن چو بنشست بر اورنگ جلال بنگر برهمنان زو وثنی ساخته‌اند
(سبزواری، ۱۳۸۰: ۲۹۴)

- جهان معنوی دل را امیر است ز فر عشق باشد افسر دل
(۸۰)

در چاپ دایمی جواد، «جهان معنوی» امیر و پادشاه بر «دل» است؛ حال آنکه با توجه به مصرع دوم، «دل» پادشاه است؛ زیرا «از فر عشق» «افسری» بر سر دارد. در مطلع همین غزل می‌خوانیم:

فلک دوران زند بر محور دل وجود هر دو عالم مظهر دل
این تناقض در نسخه «گ» اینگونه زدوده می‌شود:

جهان معنوی را دل امیر است ز فر عشق باشد افسر دل
(۸۳)

ضبط بیت در سه چاپ دیگر مانند چاپ دایمی جواد است. اختلافات دیگری در ضبط واژگان دیده می‌شود که مجالی برای پرداختن به همه آنها نیست؛ به همین اندازه بسنده می‌شود و به نسخه دوم می‌پردازیم.

دیوان حاج ملا هادی سبزواری به تصحیح مرتضی مدرس چهاردهی

این چاپ از دیوان اسرار با عنوان «حاج ملا هادی سبزواری و فلسفه او» آغاز می‌شود و مصحح در ۴۳ صفحه، حکیم سبزواری، زندگی او، داستان‌ها و آثارش را معرفی می‌کند. سپس به متن دیوان وارد می‌شود. دیوان شامل ۱۸۹ غزل، ۱ ترجیع‌بند، ۱۵ رباعی، ساقی‌نامه و ۵ مثنوی است. در پایان، جواب منظوم حاج ملا هادی در پاسخ به سؤال آقا میرزا بابایی گرگانی آورده شده است که در اصل، جزو اشعار دیوان به شمار نمی‌رود.

در این چاپ نیز همانند چاپ‌های پیشین، اسمی از نسخه‌های خطی که مصحح از آنها استفاده کرده، آورده نشده

است و ارجاعی هم دیده نمی شود. معلوم نیست که مدرسی کار تصحیح را براساس کدام نسخه یا نسخه‌ها انجام داده است؛ کتاب هیچ‌گونه تعلیقی ندارد. در این چاپ نیز اشکالات فراوانی - حتی نسبت به دیگر چاپ‌ها - دیده می شود که می توان آنها را اینگونه طبقه بندی کرد: الف) دسته‌ای از این ایرادات به نوع ضبط واژگان برمی گردد؛ ب) دسته‌ای دیگر از نوع اشکالات تایی و اغلاط املائی است؛ نوع تایی و چینش کلمات در بسیاری از موارد به گونه‌ای است که کار خوانش را بر مخاطب دشوار می کند. واژه‌ها گاهی چنان به هم چسبیده و در کنار هم آمده است که معنی دیگری را القا می کند؛ ج) افتادگی واژه و بیت نیز از دیگر مواردی است که می توان به آن اشاره کرد.^۲

الف) اشکالات چاپ مدرسی در حوزه ضبط واژگان

- قد اسه توکرت فی مه وی العواسه قی عن وری ص فحفا

خوشا وقتی که بودت با هم آوازن پریدن‌ها

(سبزواری، بی تا: ۳)

این بیت، هم در این نسخه و هم در همه چاپ‌های دیگر دیوان، به همین شکل ضبط شده است و البته مصراع اول کاملاً اشتباه است. شکل صحیح آن چنین است:

قد استوکرت فی مه وی الغواسه قی عن ذری ص فحفا

خوشا وقتی که بودت با هم آوازن پریدن‌ها

(همان، ۱۲۹۰: ۲)

معنای مصراع نخست: تو چشم خود را بر بلندی‌ها بستی و در پرتگاه تاریکی‌ها لانه گزیدی. واژه «ذری»، جمع «ذروه و ذروه» به معنای بلندی‌هاست (رحیمی اردستانی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۳۲۵).

- با دوستی پنج تن به از کاخ سپنج اسرار رو این پنج به از هشت بهشت

(۴۲)

واژه «به» در این نسخه اشکال وزنی ایجاد کرده است. در نسخه «گ» می خوانیم:

با دوستی پنج تن از کاخ سپنج اسرار رو این پنج به از هشت بهشت

(۴۳)

ضبط بیت در سه چاپ دیگر مطابق با نسخه اساس است.

- چو حسنش جلوه ای کرد از لباس حسن معشوقان

فتادی یک طرف پروانه و یک سو هزاری شد

(۵۴)

صورت درست ضبط بیت مطابق با نسخه اساس چنین است:

چو عککش جلوه‌ای کرد از لباس حسن درویشان

فتادی یک طرف پروانه و یک سو هزاری شد

(۵۴)

در این بیت، مطابق با نسخه اساس (گ)، ضبط واژه «درویشان» بر «معشوقان» ترجیح دارد. این واژه در لغت به معنای «خواهنده از درها، گدا و سائل آمده» (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل درویش) است؛ اما «معنای دیگر درویش، فقیر صوفی

است. از آنجا که صوفیه اهل فقر به معنای مادی آن نیز بوده‌اند ... صوفی و عارف و درویش کما بیش مترادف‌اند» (خرمشاهی، ۱۳۷۸: ۱۶۵)؛ با این تفاوت که بعضی از بزرگان مانند حافظ و به تبع او حکیم حاج ملا هادی - که در شیوه سرودن اشعار پیرو حافظ است - به صوفی نظر خوشی ندارند؛ اما درویش، بار معنایی مثبتی در دیوان آنها دارد. مثلاً حافظ می‌گوید:

در این بازار اگر سودیست با درویش خرسند است

خدایا منعمم گردان به درویشی و خرسندی

(حافظ، ۱۳۷۶: ۲۱۷)

یا حکیم ملا هادی غزلی با ردیف «درویشان» دارد که مطلع آن چنین است:

جام جم مظهر اعظم دل درویشان است نخبه جمله عالم دل درویشان است

(سبزواری، ۱۳۹۰: ۴۲)

لباس برای درویش اهمیت خاصی داشته که پس از اثبات قابلیت و اهلیت بر او پوشانده می‌شده است (رک: رجایی، ۱۳۶۴: ۱۲۲). شاید معشوق زیبا باشد؛ اما دلیلی وجود ندارد که حتماً لباس او هم زیبا باشد؛ ولی برای درویش، لباس مهم است و به گونه‌ای نماد فقر به شمار می‌رود. در ضمن، کاربرد دو بار واژه «حسن» در چاپ مدرسی، بیت را دچار حشو کرده است.

ضبط بیت در چاپ کرمی و دایی جواد مطابق با چاپ مدرسی است. در چاپ امین می‌خوانیم:

- چو حسنش جلوه ای کرد از لبان حسن معشوقان

فتادی یک طرف پروانه و یکسو هزاری شد

(سبزواری، ۱۳۸۰: ۲۹۳)

به جای «لباس»، «لبان» آمده و کاملاً اشتباه است. در هیچ دست‌نوشته‌ای این واژه (لبان) ضبط نشده است.

- گام به ره چون زنی که در پی کامی پای تو چوبین و راه چیچله باشد

(۶۳)

مطابق نسخه گ، بیت اینگونه تصحیح می‌شود:

گام به ره چون زنی که در پی کامی؟ پای تو چوبین و راه چیچله باشد

(۶۳)

واژه چیچله در اینجا به معنی لغزنده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل چیچله) و ترکیب «پای چوبین» از نظر معنایی تناسب

بیشتری با «چیچله» دارد تا واژه «چیچله» که به معنای «پشته نرم، بیماری و مرض» آمده است (همان: ذیل چیچله).

ضبط بیت در چاپ‌های دایی جواد و کرمی، همان ضبط مدرسی است؛ اما در چاپ امین بیت چنین است:

گام به ره چون زنی که در پی کامی؟ پای تو چوبین و راه چه‌چله باشد

(سبزواری، ۱۳۸۰: ۲۹۱)

- فرادی ظاعن و القلب قاطن جینی سائر و القلا ب مأس و

(۶۷)

نسخه گ:

فادی ظاعن و الجس م قاطن حیبی سائر و القلا ب مأس و

(۶۶)

معنای بیت چنین است: قلب من به دنبال معشوق رفته و جسم من در اینجا مانده است. او (حبیبی) رفته و قلب من در بند و اسیر است.

در دیگر چاپ‌ها ضبط بیت چنین است:

دایی جواد:

ف وادی طاعن و الجس م قطن جینی سائر و القل ب مأس و

(سبزواری، ۱۳۳۸: ۶۸)

کرمی:

ف وادی ظاعن و القلب قطن جینی سائر و القل ب مأس و

(همان، ۱۳۷۰: ۱۱۵)

امین:

ف وادی ظاعن الجس م قطن جینی سائر و القل ب مأس و

(همان، ۱۳۸۰: ۳۱۲)

- گل می‌دهد ز شاخ و وزد باد نوبهار ساقی تفقه دی کن و جامی ز می ییار

(۶۷)

نسخه گ: می‌دمد (۶۷).

با توجه به حرف اضافه «ز، مخفف از»، «گل می‌دمد» ضبط صحیح است؛ به معنی رستن و سبزشدن و رویدن. ضبط بیت در بقیه چاپ‌ها مطابق با نسخه اساس است.

- آنمودگی که هفت کتب در وی اندر است

خود آن کسی که حرف خودی را نمود حک

(۸۲)

در نسخه گ چنین آمده است:

آنمودگی که هفت کتب در وی اندر است

خواند آن کسی که حرف خودی را نمود حک

(۸۰)

این ضبط در چاپ مدرسی و به تبع آن در دیگر چاپ‌های دیوان اسرار به همین صورت، معنای بیت را آشفته کرده است. فعل «خواند» با «کتب» تناسب بیشتری دارد. آنمودج استعاره از انسان است که به اعتبار روح و مراتب روحانی اش عالم کبیر است و هفت کتب (هفت آسمان و مجازا کل هستی) در وجود او تعبیه شده است و زمانی می‌تواند این هفت کتب را بخواند و بفهمد که خود را شناخته باشد.

- خال بر صفحه رخسار تو مانند سماک دل اسرار تپد ز آن چو شب است و تو سماک

(۸۳)

مطابق با نسخه گ:

خال بر صفحه رخسار تو مانند سماک دل اسرار تپد ز آن چو به شست تو سماک

(۸۳)

به‌ویژه آنکه واژه «شست» به معنی «قلاب ماهیگیری» با «سمک» به معنای «ماهی»، تناسب بیشتری دارد. ضبط بیت در چاپ کرمی و امین مطابق با نسخه‌ی اساس است؛ اما در چاپ دایی جواد چنین آمده است:

خال بر صفحه رخسار تو مانند سماک دل اسرار تپد ز آن چو شباک و چو سمک
(سبزواری، ۱۳۳۸: ۸۰)

- هست در دیده سل به دیده س بل زین طعامی که کرده خصم دغل
(۸۶)

در نسخه «گ»، «سینه» ضبط شده است (۸۵). در واقع بیماری سل، در سینه (ریه) عارض می‌شود نه در دیده. به‌جز چاپ دایی جواد که مانند چاپ مدرسی «دیده» آمده (رک: سبزواری، ۱۳۳۸: ۸۲)، چاپ کرمی و امین مطابق با نسخه‌ی اساس است.

اختلافات دیگری هم وجود دارد که به‌سبب اطناب، به همین مختصر بسنده می‌شود.

ب) اشکالات تایی و غلط‌های املایی

اشکالات تایی به‌سبب سهو ویراستار کتاب است؛ اما به‌سبب آنکه در این چاپ نسبت به سه چاپ دیگر بسامد بسیاری دارد، از آوردن چند نمونه ناگزیریم.

- اسرار دل اشراو سر از سدره برآورد باری درویدیم هر آن تخم که کشتیم
(۹۶)

گ: اسرار (۹۳). ناگفته نماند در نسخه «گ»، به‌جای «برآورد»، «درآورد» ضبط شده است.

- محرم نبود مردم چشمم بزور وصل شد دیده دجله‌ها که رود غیر بر کنار
(۶۸)

گ: به روز (۶۷).

- همین نی چشم بد از یار کند عقدال نظر اسرار

که از سر دهان او رقیبان رازبان بندد
(۶۳)

گ: ... که از سر دهان او رقیبان را زبان بندد (۶۲).
- یک بوسه زوجه زکواتم نمی‌دهی گویا که فرض نیست به شرع شما زکوات

(۲۹)

گ:

- یک بوسه‌ای زوجه زکاتم نمی‌دهی گویا که فرض نیست به شرع شما زکات
(۲۳)

- بی‌جاست مداوای طبیبان، بچشانم یک شربت از آن لعل شکر بارود گر هیچ
(۴۴)

گ: ... یک شربت از آن لعل شکر بار و دگر هیچ (۴۵).

- جام جم اسرار غیب می‌شودش منکشف جام و لاهر که از ساقی کوثر گرفت
(۳۷)

گ: ... جام ولا هرکه از ساقی کوثر گرفت (۳۹).

از خدنگ آه دل‌ها، تیربارانش کنید
- می ستیزد فارس ردگون به ما، ای همدان
(۵۶)

گ: می ستیزد فارس گردون به ما، ای همدان! ... (۵۶)

کز شهر غریو فنه برخاست
- تا باز چو شور چشمت انگیخت
(۳۶)

گ:

کز شهر غریو فتنه برخاست
تا باز چه شور چشمت انگیخت
(۳۸)

افزون بر اشکال تاپپی در مصرع دوم، در مصرع نخست، اختلاف ضبط «چو» و «چه» درخور توجه است.

- سر در گریبان کرده ام با خویش باشد سر من

تار از دل افشا کنم کو محرم اسرار کس
(۷۱)

گ: ... تار از دل افشا کنم کو محرم اسرار من (۶۹).

ج) افتادگی بیت و واژه

در غزلی با مطلع:

برافتی ای فراق! از روزگاران
که یاران را جدا کردی ز یاران
(سبزواری، ۱۲۹۰: ۹۴)

بعد از بیت پنجم، مطابق با نسخه «گ»، بیتی در این چاپ جا افتاده که چنین است:

من ار قلبم، قبولم کن که چندی
شدم هم صحبت کامل عیاران
(همان: ۹۴)

با توجه به محور عمودی غزل، بیت بالا کامل کننده معنای ابیات پیش از خود است. عارفان خودشان را ناقص می بینند و می خواهند خداوند گوشه چشمی به آنها اندازد و کاملشان کند.

مطلع غزل چنین است:

برافتی ای فراق از روزگاران
که یاران را جدا کردی ز یاران
(۹۴)

تناسب معنایی در محور عمودی و کل غزل نشان می دهد که بیت الحاقی نیست و از حکیم سبزواری است؛ ضمن آنکه دست نویس های دیگر نیز، به جز آنهایی که معرفی کردیم، اصالت بیت را تأیید می کند.

در غزلی دیگر با مطلع:

ما ز میخانه عشقیم گدایانی چند
باده نوشان و خروشان و خموشانی چند
(سبزواری، ۱۲۹۰: ۵۹)

دو بیت آخر در نسخه مدرسی با افتادگی دو مصرع، به یک بیت تبدیل شده است. در نسخه «گ» این دو بیت چنین

است:

ای که مغرور به جاه دو سه روزی بر ما
هر در اسرار که بر روی دلت در بندند
کشش سلسله دهر بود آنی چند
رو گشایش طلب از هم ت مردانی چند
(۶۰)

در نسخه مدرسی می‌خوانیم:

ای که مغرور به جاه دو سه روزی بر ما
رو گشایش طلب از هم ت مردانی چند
(۶۱)

در چاپ مدرسی چنین آمده است:

- کشف اسرار چو آیین زان روی است
که نقاب رخ اسرار تنی ساخته‌اند
(۶۲)

که مطابق با دست‌نویس ۱۲۹۰ (گ)، واژه «نبود»، جا افتاده است:

- کشف اسرار چو آیین نبود زان روی است
که نقاب رخ اسرار تنی ساخته‌اند
(۶۲)

چندین نمونه دیگر از این دست جاافتادگی‌ها در چاپ نامبرده وجود دارد که آوردن تک‌تک آنها در حوصله این پژوهش نمی‌گنجد.

دیوان حاج ملاهادی سبزواری به تصحیح احمد کرمی

این تصحیح با مقدمه ۴۱ صفحه‌ای از زندگی اسرار به قلم علی فلسفی آغاز می‌شود و در ادامه، متن دیوان آورده شده است. این متن شامل ۱۸۷ غزل، ۴ مثنوی، ۱۴ رباعی، ساقی‌نامه و یک ترجیع‌بند است. مطابق با نسخه «گ»، ۲ غزل، ۱ مثنوی و ۱ رباعی افتادگی دارد. در پایان، جواب منظوم حاج ملاهادی در پاسخ به سؤال آقامیرزا بابایی گرگانی در باب حدیث «موتوا قبل أن تموتوا» آورده شده است؛ همچنین شعری از احمد سهیلی خوانساری وجود دارد که برای «عینک» حاج ملاهادی سروده است و در اصل، جزو اشعار دیوان به شمار نمی‌رود.

شرح زندگانی اسرار، به قلم اسراری سبزواری در ۸۵ صفحه، آخرین بخش کتاب را تشکیل می‌دهد. به جز فهرست مطالب، کتاب هیچ نوع تعلیقی ندارد. در چاپ کرمی، هیچ‌جا از نسخه‌هایی که بر مبنای آن کار تصحیح انجام گرفته، نامی برده نشده است؛ جای نسخه‌بدل‌ها در پاورقی‌ها خالی است. اختلاف در ضبط، از اشکالات اصلی این چاپ است.^۳

اختلاف در ضبط واژگان

- از کف من برده دل آن بت پیمان گسل
رشک بتان چو گل غیرت ترک خطا
(سبزواری، ۱۳۷۰: ۵۰)

طبق نسخه «گ» می‌خوانیم:

از کف من برده دل آن بت پیمان گسل
رشک بتان چو گل غیرت ترک ختا
(همان، ۱۲۹۰: ۸)

واژه «چگل» ضبط ملموس و آشناتری است تا «چو گل»؛ چگل «... نام قبیله ای از ترکان خلخ، که در ترکستان می زیسته اند و شهری به نام چگل در نزدیک طراز داشته اند ... چون از آنجا بردگان خوبروی به ایران و بلاد اسلامی می آورده اند، این ناحیه به حسن خیزی مشهور شده است و در اشعار گویندگان فارسی زبان، خوبرویان چگلی مظهر زیبایی به حساب می رفته اند» (مصاحب، ۱۳۸۰: ذیل چگل).

ضبط بیت در چاپ دایی جواد و امین با نسخه اساس مطابقت دارد؛ اما در چاپ مدرسی بیت همانند چاپ کرمی است.

- بسی اسرار که در خرقه اسرار بود الله منگر خرقه پشمینه ما

(۶۱)

نسخه «گ»:

بسی اسرار که در سینه اسرار بود الله منگر خرقه پشمینه ما

(۱۸)

«سینه» صحیح است. معمولا سینه انسان جای نگهداری اسرار و رموز است نه خرقه. در چاپ کرمی، آمدن دو خرقه باعث تکرار و حشو در بیت شده است. حکیم ملا هادی در غزلی دیگر چنین آورده است:

دلیم اسرار جام جم نهان داشت از آنم از ازل اسرار نام است

(سبزواری، ۱۲۹۰: ۳۷)

که دل (سینه در بیت منظور) را جایگاه «اسرار» عرفانی می داند.

همان اشتباه چاپ کرمی در ضبط بیت منظور، در سه چاپ دیگر نیز تکرار شده است.

- چنگ گوید به چنگ دستان زن إن للعاشقین و حسن مآب

(ص ۶۱)

نسخه گ:

چنگ گوید به عشق دستان زن إن للعاشقین حسن مآب

(ص ۱۸)

در ضبط کرمی، چنگ با چنگ دوم، جناس تام ساخته است؛ اما لفظ «عشق» با عاشقین نیز جناس اشتقاق دارد. همچنین آمدن «واو» اشکال وزنی ایجاد کرده است. وزن صحیح شعر فاعلاتن مفاعلهن فعلن است که با قرار گرفتن «واو» در مصرع دوم، وزن مختل می شود.

گفتنی است، افزون بر نسخه «گ» پنج دست نویس دیگر از دیوان اسرار ضبط نسخه اساس را تأیید می کند.

در چاپ دایی جواد، مدرسی و امین ضبط بیت همانند چاپ کرمی است؛ اما اشکال وزنی ندارد:

- چنگ گوید به چنگ دستان زن إن للعاشقین حسن مآب

- مصدر و تعریف و اصل و فرع تو هم تکلم از تو هم با تو خطاب

(۶۴)

در نسخه «گ» می خوانیم:

مصدر و تصریف و اصل و فرع تو هم تکلم از تو هم با تو خطاب

(۲۱)

با انتخاب ضبط «تصریف»، تناسبی بین این واژه و «مصدر» ایجاد می‌شود.
در سه چاپ دیگر دیوان اسرار نیز ضبط بیت مطابق با چاپ کرمی است و به‌جای «تصریف»، «تعریف» آمده است.
- اجزای عالم یک به یک گر خود سما و گر سمک

جن و ملک نجم و فلک کل شرح اسرار من است
(۶۸)

طبق نسخه «گ»:

اجزای عالم یک‌به‌یک گر خود سماک و گر سمک

جن و ملک نجم و فلک کل شرح اسرار من است
(۲۵)

ضبط «سماک» به کسر سین صحیح است. سماک: «اسم خاص و نام ستاره‌ای و آن دو هستند یکی را سماک اعزل و دیگری را سماک رامح یا رائج گویند» (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل سماک). ضمن آنکه «سماک»، با سمک (اسم خاص)، نجم و فلک، تناسب زیبایی ساخته است.

در چاپ‌های دایی جواد، مدرسی و امین، بیت با نسخه اساس تطابق دارد.

- چو می‌دانی دعای درد اسرار چرا در چاره‌اش داری تعلق؟
(۱۳۳)

گ: دوای (۸۲). معمولا دوا و درد با همدیگر تناسب بیشتری دارد.

ضبط بیت در چاپ امین مطابق با نسخه اساس است؛ اما در چاپ‌های دایی جواد و مدرسی همانند چاپ کرمی است و به‌جای «دوا»، «دعا» آمده است.

- جهان معنوی دل را اسیر است ز فر عشق باشد افسردل
(۱۳۴)

نسخه «گ»:

جهان معنوی را دل امیر است ... (۸۳).
پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

این بیت با ضبط نادرست دیگری در چاپ دایی جواد هم آمده است که به‌صورت کامل در آنجا شرح داده شد. هدف از آوردن دوباره بیت در اینجا این است که نشان دهیم، هم در چاپ دایی جواد و هم در تمامی چاپ‌های دیوان اسرار، بیت ضبط نادرستی دارد.

- یک مسمی است خرّقه کش خوانند بلبن و برفه برپهن بوخ ل
(۱۳۵)

نسخه «گ»:

یک مسمی است خرّفه، کش خوانند بلبن و برفه برپهن بوخ ل
(۱۳۰)

در اینجا لفظ «خرّفه» (نام یک گیاه که به بلبن، پرپهن و بوخل نیز مشهور است) صحیح است، نه خرّقه که هیچ تناسبی با مصرع دوم ندارد.

در سه چاپ دیگر چنین آمده است:

یک مسمی است خرفه، ک ش خوانند بلبن و برفه ببرهن بوخ ل
 - آن و رسم زمان بی سر و بن آن سیال و آن نه آن مفصل
 (۱۳۶)

مصراع دوم با آوردن ضبط «و آن» کاملاً مفهوم بیت را بی معنا کرده است. در نسخه «گ» صورت صحیح چنین آمده است: ... آن سیال دان نه آن مفصل. (۸۵)

در دیگر چاپ‌های دیوان، بیت همانند چاپ کرمی است و ضبط نادرستی دارد.

- کآن کسانی که خالی از عشقند ه م کالانعام بل ه م ب ل اضل
 (۱۳۶)

گ: هی (۸۶).

معنی مصراع دوم: آنها همانند چهارپایان، بلکه «خود چهارپایان»، بلکه پست تر هستند (مرجع ضمیر «هی» انعام است).

ممکن است این سؤال ایجاد شود که مصراع دوم چون عین آیه قرآن است پس ضبط کرمی بر ضبط نسخه اساس برتری دارد. گفتنی است افزون بر سه نسخه خطی که در این پژوهش معرفی شد، نگارندگان چهار دست نویس دیگر را هم از نظر گذراندند که در همه آنها ضبط «هی» آمده است. این نسخه‌ها عبارت است از: (۱) نسخه کتابخانه ملی (۱) به شماره ثبت ۵-۱۷۶۴۵، ص ۵۱؛ (۲) نسخه کتابخانه ملی (۲) به شماره ثبت ۵-۱۷۶۰۷، ص ۷۱؛ (۳) نسخه خطی دکتر غنی (کتابخانه مجلس) به شماره ثبت ۵۰۴۷۱، ص ۱۲۳؛ (۴) نسخه کاظمینی ش: ۷۵، به شماره ثبت [ف: ۱-۷۹]؛ بنابراین نمی توان ضبط کرمی را که مشخص نیست از کدام دست نویس در تصحیح خود استفاده کرده است، بر هفت نسخه خطی معتبر برتری داد. حتی چاپ دایی جواد و مدرسی نیز با نسخه اساس مطابقت دارد؛ اما در چاپ امین چنین آمده است:

آن کسانی که خالی از عشقند ه م کالانعام بود، بل هم اضل
 (سبزواری، ۱۳۸۰: ۳۴۰)
 - همه نظام نبوت به نصه کثرت و آداب همه قوام ولایت بر استوانه وحدت
 (ص ۶۸)

نسخه «گ»: نضد (۲۶). به فتح «ن» به معنای ترتیب و نظم و نسق (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل نضد) است. در ضبط کرمی، «نصه» به معنای گنجشک ماده آمده است (همان: ذیل نصه) و با پذیرش این ضبط، معنای بیت آشفتگی و مبهم خواهد شد. بیت در دیگر چاپ‌ها نیز ضبطی همانند چاپ کرمی دارد.

دیوان اسرار به تصحیح سید حسن امین

این چاپ ۴۹۰ صفحه‌ای، شامل ۲۱۰ صفحه مقدمه، ۲۰۸ صفحه متن اشعار حاج ملا هادی و ۴۷ صفحه زیرعنوان «اشعار فرزندانگان اسرار» و ۱۷ صفحه فهرست مطالب است. نسخه امین، نسبت به چاپ‌های پیش از خود، از نظر حجم، فربه‌تر می نماید و البته این دلیلی بر برتری آن نیست. مصحح در مقدمه، شیوه افراطی پیش گرفته و مطالب زندگی نامه اسرار را به اطناب کشانیده است. اطلاعات آمده در مقدمه، گاهی از حالت تحقیقی به شخصی بدل می شود؛

مثلا مصحح از خاطرات دوران دانشجویی خود سخن می گوید (رک: سبزواری، ۱۳۸۰: ۱۴۵-۱۴۳) و هر جا مجال می یابد، یادی از پدرش می کند و از او نه به طور ساده، بلکه به شکل «استاد آیت الله سید علینقی امین» نام می برد (همان: ۱۰۵، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۴۲). مصحح در زیر عنوان اشعار متفرقه اسرار، انواع شعر را معرفی می کند و وقتی به قالب ترجیع بند می رسد، ترجیع بند سروده پدر خود را یکی از بهترین ترجیع بندهای سده اخیر به شمار می آورد و نامش را در کنار شاعران بنامی مانند کمال الدین اصفهانی، وحشی بافقی، جامی و محتشم کاشانی ذکر می کند (همان: ۳۹۳). ۴۷ صفحه از پایان کتاب نیز به فرزندان اسرار اختصاص یافته است. این چاپ تاکنون ۲ بار نقد شده است: نخستین بار جلال متینی در *مجله ایران شناسی* (۱۳۷۵) و بار دیگر مجدالدین کیوانی در *مجله گزارش میراث* (۱۳۸۹). کیوانی مقدمه کتاب را «اخوانی و تبلیغاتی» می داند و معتقد است این دو جنبه از ارزش علمی کار تحقیقی می کاهد و بر این باور است که مصحح در نوشتن مقدمه راه اطناب را پیش گرفته است (رک: کیوانی، ۱۳۸۹: ۵۹).

از اشکالات این چاپ عبارت است از:

الف) نشانی از نسخه های خطی دیده نمی شود و مصحح توضیحی درباره آن نداده است. «دیوان حاج ملا هادی سبزواری به شیوه ای صددرصد ذوقی تصحیح گردیده و مصحح که خود شاعر است و نیز خود، سبزواری است و هم شهری صاحب دیوان، اشعار حاج ملا هادی سبزواری را با توجه به نسخه های خطی و چاپی چنانکه خود صحیح می دانسته به چاپ رسانیده و بدین جهت است که از اختلاف ضبط نسخه ها و امثال آن در چاپ حاضر دیوان خبری نیست؛ اما چنانکه می دانیم سالهاست که تصحیح ذوقی متون در برابر تصحیح انتقادی و علمی رنگ باخته است» (متینی، ۱۳۷۵: ۱۶۶).

ب) در برخی از غزلیات که حاج ملا هادی به استقبال غزلی از شاعران دیگر، به ویژه حافظ رفته است، مصحح بلافاصله شعر شاعر منظور را بعد از غزل «اسرار» در متن دیوان آورده است؛ درحالی که بایسته است این اشعار در قسمت جداگانه ای آورده شود تا نظم و انسجام دیوان حفظ شود (رک: سبزواری، ۱۳۸۰: ۲۳۰، ۲۶۰، ۲۶۵، ۲۶۸، ۲۶۹، ۳۴۲ و ۳۴۵...).

ج) اختلاف در ضبط اشعار، یکی دیگر از اشکالات برجسته چاپ امین است که تنها به مواردی از آنها با توجه به حوصله پژوهش پرداخته می شود.^۴

اختلاف در ضبط

- درون تیره ای دارم ز خاطرهای نفسانی به سینه مطمعی از روزن نور و ضیا بگشا

(سبزواری، ۱۳۸۰: ۲۱۵)

نسخه «گ»: ... به سینه روزنی از مطلع نور و ضیا بگشا (همان، ۱۲۹۰: ۱۴). در فرهنگ و نیز در اشعار شاعران، بیشتر عبارت «روزن گشودن» آمده است تا مطلع گشودن. ضبط بالا هم در نسخه «گ» و هم در دست نویس های دیگر به همین شکل آمده است.

در سه چاپ دیگر دیوان اسرار، ضبط بیت همانند چاپ امین است.

- بود چو فقر سیه کردن خودی ز وجود چو خاک گونه بود زیب و زیور فقرا

(۲۱۷)

«خاک گونه» در بیت بالا ترکیب غریبی است. مطابق با نسخه‌های خطی در دست نگارندگان، «خاک گونه» در مصرع دوم به «خال گونه» تصحیح می‌شود و شکل صحیحش نیز همین است. همچنین «خال گونه» مظهر زیبایی بوده است نه «خاک گونه». اسرار در چند جای دیگر از دیوان، ترکیب «خال رخ، خال رخسار» را نیز به کار برده است؛ از آن جمله است:

ای مهر هم چو مه ز رخت کرده کسب ضوء خال رخ تو برده ز مشک ختن گرو
(۸۱)

به جز چاپ امین، در دیگر چاپ‌ها ضبط بیت مطابق با نسخه اساس است.

- گر پریشان‌حالم او داند لسان حال را ور چو سوسن لالم، او داند زبان لال را
(۲۲۱)

تکرار دو بار واژه «داند» باعث حشو در بیت شده است. صورت صحیح بیت مطابق با نسخه «گ» چنین است:

گر پریشان‌حالم او داند لسان حال را ور چو سوسن لالم، او فهمد زبان لال را
(۱۳)

در بقیه چاپ‌ها ضبط بیت مطابق با چاپ امین است.

- هر کیش و فن کاموختم هر مایه‌ای کاندوختم

سیلاب عشق آمد ببرد آن خواننده و دانسته را
(۲۲۲)

در نسخه «گ» می‌خوانیم:

هر کیش و فن کاموختم هر دانشی کاندوختم

سیلاب عشق آمد ببرد آن خواننده و دانسته را
(۸)

ضمن آنکه تناسب بین «خواننده» در مصرع دوم با «دانش» درخور توجه است و با آمدن «آن» در مصرع دوم (آن خواننده)، ضبط درست واژه «دانشی» در مصرع نخست تقویت می‌شود.

در چاپ‌های دایی جواد، مدرسی و کرمی ضبط بیت یکسان است؛ اگرچه صورت اشتباهی دارد و به جای «دانش»، «مشکل» آمده است:

هر کیش و فن آموختم هر مشکلی کاندوختم

سیلاب عشق آمد ببرد آن خواننده و دانسته را

- گام به ره چون زنی که در پی کام است؟

پای تو چو بین و راه چه چله باشد

(۲۹۱)

نسخه «گ»: چبچله (۶۳). نگارندگان این بیت را در چاپ مدرسی هم آورده اند و علت انتخاب ضبط نسخه «گ» را آنجا توضیح دادند؛ اما هدف از ذکر دوباره در این چاپ آن است که «حسن امین» بیت را با ضبط غریب تری نسبت به دیگر چاپ‌های دیوان اسرار آورده است که نشان‌دهنده تصحیح ذوقی اوست. او ضبط «چه چله» (!) را انتخاب کرده و در پاورقی معنای واژه را به شکلی عامیانه «چاه و چوله» ذکر کرده است (رک: سبزواری، ۱۳۸۰: ۲۹۱). این ضبط او نه در چاپ‌های دیگر دیوان و نه در هیچ دست‌نویسی دیده نشد.

- دارد سر یغما شد من غمزه شوخت اینک دل و جانی اگر این هست پسندت
(۲۴۳)

با توجه به معنای بیت و نسخه «گ» و دیگر دست‌نویس‌های استفاده‌شده، ضبط صحیح چنین است: دارد سر یغما، شه من! غمزه شوخت ... (۳۵).

دیگر چاپ‌های دیوان نیز به بیراهه رفته‌اند و ضبط‌شان همانند چاپ امین است.

- ای طایر جان! تا کی بر گوشه هر بامی؟ در دام که افتادند مرغان هم‌آوازت؟
(۲۴۴)

نسخه «گ»: ... در دام که افتادند مرغان هم‌آوازت (۴۰). دقت در محور عمودی غزل هم این ضبط را تأیید می‌کند. آمدن «دامگه»، از عمق فاجعه سخن می‌گوید و شاعر از معشوق می‌خواهد که به این وضع خاتمه دهد. در چاپ کرمی نیز همین ضبط نسخه اساس آمده است (رک: سبزواری، ۱۳۷۰: ۸۵)؛ اما بیت در چاپ دایی‌جوادی و مدرسی همانند چاپ امین است.

- غم به دل ما کنی به شادی دشمن جان من! آیین دوستی نه چنین است
(۲۵۶)

در همه دست‌نویس‌های نامبرده چنین آمده است: خون به دل ما کنی به خاطر دشمن در لغت‌نامه و همچنین فرهنگ کنایات، ترکیب «خون به دل کردن»؛ به معنی «غم و اندوه فراوان» است (رک: ثروت، ۱۳۷۵: ۱۹۵). گفتنی است کحتی در سه چاپ دیگر دیوان اسرار نیز «خون به دل ما می‌کنی ...» آمده است. در چاپ امین، تناسب غم و شادی بیت را زیباتر کرده است؛ اما تصحیح ذوقی متون رنگ باخته است و جایگاهی ندارد.

- نیست یک مرغ دلی کش نفکندی به قفس تیر بیداد تو پرتا به پری نیست که نیست
(۲۶۴)

مصحح در پاورقی چنین آورده است: «پرتا از مصدر پرتافتن یعنی پرتان، پرتاب شده» (همان). با جست‌وجوی به‌عمل‌آمده این واژه در هیچ فرهنگ لغتی مشاهده نشد. با توجه به سه دست‌نویس استفاده‌شده در این پژوهش، در هیچ‌یک واژه «پرتا» نیامده است؛ حتی در چاپ دایی‌جوادی، مدرسی و کرمی ضبط بیت با نسخه اساس مطابقت دارد. شکل صحیح بیت چنین است:

نیست یک مرغ دلی کش نفکندی به قفس تیر بیداد تو تا پر به پری نیست که نیست
(۳۰)

بین کلمات «پَر» در معنای انتهای تیر که پر به آن وصل می‌شود و «پَر» دوم به معنای بال و جزئی از بدن پرنده، جناس تام ایجاد شده است.

- تکیه بر دل داده مژگانش ز بیداری چشم آری آری بیش از این تاب پرستاریش نیست
(۲۷۰)

در نسخه «گ» چنین آمده است:

تکیه بر دل داده مژگانش ز بیماری چشم آری آری بیش از این تاب پرستاریش نیست
(۴۰)

با آمدن قرینه «پرستار» در مصراع دوم، تناسب زیبایی بین «بیماری» و «پرستار» ایجاد شده است و همین باعث

تقویت ضبط واژه «بیماری» می شود؛ ضمن آنکه ترکیب «بیماری چشم» بسیار در اشعار شاعران به کار رفته است؛ مثلاً حافظ می گوید:

دوش بیماری چشم تو ببرد از دستم لیکن از لطف لبت صورت جان می بستم
(حافظ، ۱۳۷۶: ۱۵۷)

چاپ‌های دیگر دیوان همانند ضبط امین است.

اشکالات دیگری درباره ضبط واژگان هست که به سبب طولانی شدن کلام بیان نمی شود.

نتیجه گیری

دیوان اشعار حکیم حاج ملا هادی سبزواری تاکنون چهار بار به چاپ رسیده است. با بررسی های انجام شده بر روی تک تک این چاپ‌ها، به این نتیجه رسیدیم که هریک از این نسخه‌ها اشکالات و ایراداتی دارد که لزوم تصحیح دوباره دیوان را اثبات می کند؛ برای مثال در همه چاپ‌ها، از نسخه یا نسخه‌هایی که مصحح بنای کار خود قرار داده است، نامی برده نشده و بر ما مبهم است کار تصحیح بر چه مبنایی و چگونه صورت پذیرفته است. دیگر آنکه جای نسخه بدل‌ها در پاورقی‌ها خالی است؛ تصحیفات و تحریفات در ضبط واژه یا واژگان دیده می شود که با توجه به سه دست نویس که در اختیار نگارندگان قرار دارد - در حد حوصله این پژوهش - به بخش‌هایی از آنها اشاره و صورت درست آنها بیان شد؛ غلط‌های چاپی از دیگر مواردی است که گاهی در بعضی از این چاپ‌ها - به ویژه چاپ مدرسی چهاردهمی - بسیار یافت می شود. نوع تایپ و چینش کلمات در بسیاری از موارد به گونه‌ای است که کار خوانش را بر مخاطب دشوار می کند. واژه‌ها گاهی چنان به هم چسبیده و در کنار هم آمده است که معنی دیگری را القا می کند و گفتنی است که جز نسخه دایی جواد، هیچ کدام از این چاپ‌ها غلط‌نامه ندارد؛ در یک متن تصحیح شده، فهرست‌ها جزء بخش‌های مهمی است که موجب تسریع در مراجعه و نمونه برداری می شود و کار را بر خواننده و پژوهشگر آسان می کند. جای فهرست‌های گوناگونی مانند فهرست آیات و احادیث، فهرست واژگان، فهرست ترکیبات عرفانی، فلسفی و ادبی، فهرست اعلام، فهرست امثال و حکم، فهرست ابیات و مصراع‌ها، فهرست اعلام خالی است. با توجه به همه این اشکالات - که به طور جداگانه بر هر نسخه چاپی در متن بحث شد - به این نتیجه رسیدیم که چاپ‌های دیوان حکیم حاج ملا هادی سبزواری، کاستی‌های خرد و کلان بسیاری دارد و بر مبنای معیارهای علمی تصحیح متون انجام نشده است؛ بنابراین ضرورت تصحیح دوباره دیوان این شاعر، بر اساس نسخه‌های خطی درخور اعتماد، تبیین می شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. همه ارجاعات درون‌متنی چاپ دایی جواد، با مشخصه چاپی «سبزواری، ۱۳۳۸» و ارجاعات درون‌متنی نسخه خطی با مشخصه «سبزواری، ۱۲۹۰» و نام اختصاری «گ» در متن استفاده شده و برای جلوگیری از تکرارهای پی در پی، تنها شماره صفحه منظور آورده شده است.

۲. ارجاعات درون‌متنی چاپ مدرسی چهاردهمی، با مشخصه چاپی «سبزواری، بی تا» و ارجاعات درون‌متنی نسخه خطی، با مشخصه «سبزواری، ۱۲۹۰» و نام اختصاری «گ» است که فقط به ذکر شماره صفحه بسنده شده است.

۳. ارجاعات درون‌متنی نسخه کرمی، با مشخصه چاپی «سبزواری، ۱۳۷۰» و ارجاعات دست‌نویس با مشخصه

«سبزواری، ۱۲۹۰» و نام اختصاری «گ» است و به سبب دوری از تکرارهای پی‌درپی تنها شماره صفحه چاپ و نسخه خطی منظور در متن استفاده شده است.

۴. در این قسمت نیز ارجاعات درون‌متنی چاپ امین با مشخصه «سبزواری، ۱۳۸۰» و نسخه دست‌نویس با مشخصه «سبزواری، ۱۲۹۰» و نام اختصاری «گ» است که نگارندگان تنها به آوردن شماره صفحه هریک برای جلوگیری از تکرار بسنده کرده‌اند.

منابع

- ثروت، منصور (۱۳۷۵). فرهنگ کنایات، تهران: سخن، چاپ دوم.
- حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۷۶). دیوان، به اهتمام غنی و قزوینی، تهران: میلاد، چاپ پنجم.
- (۱۳۷۸). شرح غزل‌های حافظ، ۴ جلد، به اهتمام حسین علی هروی، تهران: تنویر با همکاری نشر نو، چاپ پنجم.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۷۸). حافظ‌نامه، ۲ جلد، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ دهم.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه، ۱۶ جلد، تهران: دانشگاه تهران، چاپ اول.
- رجایی بخارایی، احمدعلی (۱۳۶۴). فرهنگ اشعار حافظ، تهران: انتشارات علمی، چاپ دوم.
- رحیمی اردستانی، مصطفی (۱۳۷۷). ترجمه المنجد، ۲ ج، تهران: صبا، چاپ اول.
- سبزواری، ملاهادی (۱۳۳۸). دیوان اشعار، به کوشش سید محمدرضا دایی جواد، اصفهان: ثقفی.
- (۱۳۷۰). دیوان اشعار (مطلع‌الانوار)، به کوشش احمد کرمی، تهران: تالار کتاب، چاپ اول.
- (۱۳۸۰). دیوان اشعار، به کوشش حسن امین، تهران: بعثت، چاپ دوم.
- (بی‌تا). دیوان اشعار، به کوشش مرتضی مدرس چهاردهی، تهران: کتابفروشی محمودی، چاپ اول.
- دیوان اشعار، نسخه خطی گ ۱۸۴۱، کتابخانه مسجد گوهرشاد، کاتب: نامعلوم، سال کتابت: ۱۲۹۰ ق.
- دیوان اشعار، نسخه خطی م ۵۳۹۲۴، کتابخانه آستان قدس، کاتب: جعفر، سال کتابت: ۱۲۹۷ ق.
- دیوان اشعار، نسخه خطی ۱ / ۲۶۷۷، کتابخانه مجلس، کاتب: عبدالوهاب، سال کتابت: ۱۲۶۵ ق.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۹). موسیقی شعر، تهران: آگاه، چاپ دوم.
- (۱۳۸۷). غزلیات شمس تبریز، ۲ جلد، تهران: سخن، چاپ چهارم.
- کیوانی، مجدالدین (۱۳۸۹). «دیوان اسرار؛ کلیات اشعار فارسی حاج ملاهادی سبزواری»، گزارش میراث، شماره ۴۲ و ۴۳، ۵۹-۶۱.
- مایل هروی، نجیب (۱۳۷۹). تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- متینی، جلال (۱۳۷۵). «نقد و بررسی کتاب: دیوان حاج ملاهادی سبزواری (نوشته سید حسن امین)»، ایران‌شناسی، سال هشتم، شماره ۱، ۱۶۸-۱۶۳.
- مصاحب، غلامحسین (۱۳۸۰). دایرة‌المعارف فارسی، ۲ جلد، تهران: امیرکبیر، چاپ دوم.